

شرکت تعاونی چند منظوره آبخیزدارن نوایگان داراب

با توجه به تحولات عمیقی که پس از مدت کوتاهی از زمان تشکیل شرکت تعاونی در روستا ایجاد شد، امید است که هر روز شاهد موفقیت بیشتر در رسیدن به کلیه اهداف طرح باشیم و به یقین این گونه شرکتها می‌توانند الگوی مطلوبی برای دیگر مناطق روستایی و شهری که زمینه ایجاد تعاونی مناسب را دارا هستند باشد.

از: روابط عمومی اداره کل تعاون فارس

مقدمه:

امروزه حفظ و نگهداری منابع آبی و خاکی و احیاء آن در بخش کشاورزی یکی از مهم‌ترین راهکارهای موجود در بستر توسعه پایدار می‌باشد. از سوی دیگر دخالت آگاهانه انسان و قابلیت‌های او نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه در تمامی فعالیتها شناخته شده است. در بررسی مسائل توسعه، این نکته نیز آشکارتر می‌گردد که چگونگی ساختار واحدهای اقتصادی در شکل‌پذیری و ایجاد افزایش خلاقیت، توانائی و کارائی انسانی نقش دارد. امروزه مشارکت و تعاون با توجه به مفهوم اساسی و جوهره روح و فلسفه وجودی آن به عنوان یکی از معقول‌ترین روشها در بستر توسعه پایدار و در جهت ارتقاء بهره‌وری به منظور نیل به عدالت اجتماعی می‌باشد و در این راستا در روستای نوایگان داراب شرکت تعاونی چند منظوره آبخیزداری برای اولین مرتبه در کشور شکل گرفت. گرچه مدت زیادی از اجرای فعالیت تعاونی مذکور نمی‌گذرد لکن بررسی عملکرد آن و وجود موفقیت در دستیابی به بخشی از اهداف شرکت تعاونی مزبور می‌تواند الگوی جدیدی در سیستم مدیریت روستایی و تعمیم آن به دیگر نقاط کشور بالاخص مناطق محروم باشد. سخنی چند پیرامون تعاونی چند منظوره

آبخیز داران نوایگان داراب

* روستای نوایگان با ۲۴۰ خانوار و ۲ هزار و ۵۶۱ نفر جمعیت در فاصله ۴۲ کیلومتری جنوب شرقی داراب در استان فارس قرار دارد. در حوزه آبخیز نوایگان به وسعت ۲۱ هزار و ۷۱۹ هکتار، ۱۷۰ هزار و ۱۵۶ هکتار مراتع مشجر و غیر مشجر و باغهای دیم انجیر، انگور، بادام، گل سرخ، گردو، انار، مرکبات و سایر محصولات کشاورزی در سطح ۴ هزار و ۵۶۳ هکتار وجود دارد که این امر بیانگر همت والای مردم سختکوش این روستا می‌باشد. همچنین دامداری و زنبورداری از مشاغل اصلی اهالی به حساب می‌آید. همچنین در حدود ۸۰ درصد از زنان روستایی نیز در امر قالی بافی فعالیت دارند و فرشهای دستباف آنها از نظر طراحی، رنگ و بافت در نوع خود در خور توجه می‌باشد. علاوه بر این با وجود تحولاتی که در مدیریت جوامع روستایی شکل پذیرفته است، انگیزه ایجاد تشکلهای مردمی که بتواند اداره امور را به منظور توسعه پایدار عهده دار شود، هر روز بیشتر احساس گردیده و به یقین تشکلهای تعاونی به عنوان یکی از شاخص‌ترین راه کارهای قابل اجرا در جهت رسیدن به هدف فوق و بهترین انتخاب است.

* اداره کل تعاون استان فارس، با هماهنگی و همکاری صمیمانه مدیریت آبخیزداری سازمان جهاد سازندگی استان فارس و کارشناسان دلسوز و همچنین با

انجام و مطالعات ویژه و پیگیری طرح تشکیل شرکت تعاونی آبخیزداری نوایگان داراب شد تا بدین ترتیب با مشارکت و تشکیل شرکت تعاونی و با اعمال مدیریت هماهنگ در سطح روستا، بتواند تحولات عمیقی را در جهت توسعه پایدار روستا و نیز استفاده بهینه از امکانات موجود به ویژه حفظ و زنده نگهداشتن سرمایه‌های اصلی کشاورزی که همان منابع آبی و خاکی می‌باشد قدمی برداشته باشد. قابل ذکر است که آبخیز به زمین و پهنه‌ای اتلاق می‌گردد که تمامی آبهای روان ناشی از بارندگی وارد در آن در درون یک رودخانه، آبراهه، دریاچه و یا یک آب انباشت دریافت می‌کند و بدین ترتیب می‌توان حداکثر استفاده معقول و منطقی را از این موهبت الهی انتظار داشت.

* شرکت تعاونی چند منظوره آبخیز داران نوایگان داراب با ۳۹۶ نفر عضو و ۶۲ میلیون و ۷۰۰ هزار ریال سرمایه اولیه در سال ۱۳۷۵، به منظور پیگیری و مشارکت کلیه اهالی روستا در اجرا و اداره طرح آبخیز داران و حل مسائل و مشکلات روستا و همچنین بازاریابی و فروش محصولات تولیدی روستا تحت نظارت اداره کل تعاون فارس به ثبت رسیده است. اهداف این طرح بدین ترتیب می‌باشد:

۱- ایجاد یک پل ارتباطی منطقی بین مردم و اداره‌ها و نهادهای اجرایی تحت عنوان شرکت تعاونی آبخیزداران نوایگان داراب و اعمال مدیریت حوزه آبخیز توسط مردم

- ۲- دیدن کلیه عوامل مؤثر و تأثیر گذار در درون یک مجموعه یعنی در حوزه طرح.
- ۳- ایجاد اشتغال و یافتن استعدادها.
- ۴- جلوگیری از تخریب و تجاوز به عرصه های جنگل و مرتع و بهره‌وری بهینه در قالب توسعه پایدار از حوزه طرح.
- ۵- جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها.

- ۶- ایجاد و توسعه صنایع دستی و بسته بندی و تبدیلی و عرضه محصولات تولیدی به بازارهای تولیدی داخلی و خارجی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها.
- ۷- کاهش تدریجی سرمایه گذاری دولت و افزایش سهم مشارکت مردم.

* با توجه به تحولات عمیقی که پس از مدت کوتاهی از زمان تشکیل شرکت تعاونی در روستا ایجاد شد، امید است که هر روز شاهد موفقیت بیشتر در رسیدن به کلیه اهداف طرح باشیم و به یقین این گونه شرکتها می‌توانند الگوی مطلوبی برای دیگر مناطق روستایی و شهری که زمینه ایجاد تعاونی مناسب را دارا هستند باشد.

شرکت تعاونی چند منظوره آبخیزداران نوایگان نمونه‌ای از مدیریت هماهنگ برای توسعه پایدار روستاها

در بررسی حوزه‌های آبخیز و ساکنین آنها به عنوان بهره‌برداران اصلی در دهه‌های اخیر نشانه‌هایی از روند رو به رشد و تأسف بار سیر مهاجرت روستائیان به شهرها، فرسایش ۴/۵ میلیارد تن خاک در سال به عنوان سرمایه ملی، حجم عظیم آب که به صورت سیل ویرانگر وجود دارد، فقر و تنگدستی و درآمد محدود اغلب روستائیان و صدها پیامد ناگوار دیگر، همه ناشی از عدم نگرش ما به مدیریت جامع در حوزه‌های آبخیز به عنوان یک اصل بنیادی در مجموعه‌ای تفکیک ناپذیراست. بنابراین، قبل از هر چیز لازم است تعریفی از آبخیزداری داشته باشیم.

روستای نوایگان با ۴۴۰ خانوار و ۲ هزار و ۵۶۱ نفر جمعیت در فاصله ۴۴ کیلومتری جنوب شرقی داراب در استان فارس قرار دارد. در حوزه آبخیز نوایگان به وسعت ۲۱ هزار و ۷۱۹ هکتار، ۱۷۰ هزار و ۱۵۶ هکتار مراتع مشجر و غیر مشجر و باغهای دیم انجیر، انگور، بادام، گل سرخ، گردو، انار، مرکبات و سایر محصولات کشاورزی در سطح ۴ هزار و ۵۶۳ هکتار وجود دارد که این امر بیانگر همت والای مردم سختکوش این روستا می‌باشد.



آبخیز به محدوده‌ای اطلاق می‌شود که تمامی آب حاصل از بارندگی وارد بر آن از یک دهانه خروجی (رودخانه، آبراهه یا مسیر) خارج و وارد دریاچه و یا یک انباشت شود. حوزه‌های آبخیز به وسیله خط‌الرسها یاها و گردنه‌ها از مناطق افراد خود جدا می‌گردند.

آبخیزداری Watershed management به مفهوم مدیریت و بهره‌برداری هماهنگ، یک پارچه و قانونمند منابع طبیعی، از کشاورزی، دامداری، منابع انسانی، اقتصادی، و دیگر عوامل موجود در حوزه آبخیز می‌باشد مشروط بر آن که سرمایه اصلی آبخیز که همانا آب و خاک می‌باشد کاملاً حفظ شود.

با توجه به تعاریف فوق حوزه‌های آبخیز مجموعه‌هایی هستند که کلیه عوامل موجود در آنها به طور مستقیم و یا غیر

مستقیم در ارتباط با هم بوده و به نوعی بر یکدیگر تأثیر دارند به طوری که جداکردن این مجاری از یکدیگر و بهره‌برداری غیر اصولی از آنها هر چند در کوتاه مدت و مقطعی ممکن است نتیجه مثبتی داشته باشد ولی در دراز مدت در سیستم کاری بقیه اجزا اختلال به وجود آورده و به عنوان یک عامل بازدارنده نتایج زیانبار اقتصادی و اجتماعی گسترده در پی خواهد داشت.

روند تاریخی طرحها و پروژه‌های اجرا شده در حوزه‌های آبخیز در کلیه بخشها اغلب نشان از موفقیت مقطعی آنها و رکود و یا شکست عملیات انجام شده در دراز مدت داشته و بازتاب این مطلب را در مهاجرت روستائیان، سردرگمی خانواده های باقی مانده، تولید سرانه کم، در سال و هدر رفتن هزینه‌های انجام شده می‌توان دید. مشکل کجاست؟ آیا مردم روستا

علاقتمند به سرمایه گذاری فکری و مادی در انجام کارهای عمرانی و زیربنایی نیستند؟ و یا این که کارهای دستگاههای اجرایی توأم با شناخت، آگاهی و برنامه ریزی بر اساس پتانسیل های بالقوه و بهره برداری اصولی از منابع نبوده است؟ و یا این که نقش مردم به عنوان کارگزاران و بهره برداران اصلی در حوزه های آبخیز نادیده گرفته شده است؟ در چگونگی اجرای پروژه ها و بهره برداری از منابع شیوه های مختلفی ارائه شده است:

۱- طرح و پروژه را دولت طراحی و اجرا کند سپس تحویل بهره برداران بدهد تا استفاده کنند.

۲- دولت طراحی و اجرا را به عهده بگیرد و مردم ضمن تأمین برخی از هزینه ها بهره برداری نمایند.

۳- بهره برداران پول بدهند، دولت ضمن طراحی و اجرا در مدیریت و بهره برداری با بهره برداران شریک باشد.

۴- مردم در سرمایه گذاری طراحی، برنامه ریزی، اجرا و بهره برداری نقش اصلی را داشته باشند و دولت هدایت، حمایت و نظارت را به عهده بگیرد.

مشکل کلیدی حوزه های آبخیز را باید در نقش مشارکت بهره برداران و نحوه مدیریت آنها در عرصه جستجو کرد و گونه سرمایه گذاری های دولت بدون حضور قانونمندان و اصولی بهره برداران (به عنوان صاحبان اصلی عرصه) در نهایت با شکست مواجه خواهد شد.

این مشکل یک ریشه تاریخی دارد که در یک دوره کوتاه مدت باعث شده حوزه های آبخیز به شدت آسیب ببینند به طوری که باران به عنوان یک نعمت و رحمت الهی باعث تخریب و ویرانی می شود. جنگلها و مراتع به عنوان سرمایه ملی به شکل اسفبار فعلی درآمد است به حدی که جنگلهای سرسبز شمال از ۳/۶ میلیون هکتار به ۱/۶ میلیون هکتار و جنگلهای غرب از ۱۲

میلیون هکتار به ۶ میلیون هکتار کاهش یافته اند از طرفی سطح شنهای روان از ۶ میلیون هکتار به ۱۲ میلیون هکتار و میزان فرسایش خاک از ۱/۵ میلیارد تن به ۲/۵ میلیارد تن در سال افزایش یافته است. متأسفانه روند رو به رشد این وضعیت بسیار نگران کننده است و جبران خرابه ها به هزینه های نجومی و سالیان دراز وقت نیاز دارد. آمار نشان از اختلاف شدید بین تخریب و احیاء حوزه ها دارد و پیامدهای آن فقر عمومی، مهاجرت وسیع و دسته جمعی و در نهایت وابستگی است.

باید برای حل این معضل اساسی کشور که کلیه دستاوردهای جامعه را در معرض خطر جدی قرار می دهد باید به صورت ریشه ای برخورد کرد و گرنه کارهای سطحی و کوتاه مدت بدون توجه به علل تاریخی این معضل، در اغلب موارد نه تنها نتیجه ای نخواهد داشت بلکه در دراز مدت خود به یک عامل تاریخی دیگر تبدیل می گردد.

علل تاریخی را می بایست از سالهای قبل از ۱۳۴۱ مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. تا قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ به دلیل ساختار اقتصادی، اجتماعی آن زمان، خانها (فئودالها) در روستاها و حوزه های آبخیز به عنوان یک مدیر عامل عمل نموده و سعی در بهره برداری از حوزه به نفع خود را داشتند این نحوه مدیریت که در اکثر موارد ضمن این که فشار زیادی به روستائیان و عشایر وارد می کرده چنین نتیجه داده است که دیگران حق دخل و تصرف زیادی را در عرصه ها بدون مجوز خان نداشتند و این خانها بودند که زمان کوچ، نحوه بهره برداری و غیره را مشخص می کردند.

با توجه به این که هر مدیریتی می بایست دارای چهار فاکتور جایگاه اقتصادی، و قانونی اجتماعی و فنی باشد، خان به دلیل داشتن وضعیت مالی مناسب، قدرت

اجتماعی و محلی و حمایت قانونی می توانست در جهت نگهداری جنگلها و مراتع، زمان کوچ و در کل حفظ حوزه های آبخیز برای منافع خود عمل کند ولی در سال ۱۳۴۱ این مدیریت به شدت آسیب دید و دولت نتوانست یک مدیریت مناسب را جایگزین آن نماید در نتیجه خلأ مدیریتی به وجود آمد به طوریکه، باعث هجوم مردم به عرصه های آبخیز و در اشکال مختلف باعث تخریب آن شد تا بتوانند کمبودها و تنگناهای گذشته خود را جبران کنند و متأسفانه تأیید قانونی کارهای تخریبی انجام شده توسط مردم به وسیله معتمدین محلی در غالب اسناد و نسق اصلاحات ارضی مهر تأییدی بود بر کارهای تخریبی و غیر اصولی مردم در حوزه های آبخیز. سیر هجوم مردم به عرصه ها در اثر خلأ مدیریتی به حدی بود که قوانین و دستور العملها بعدی از جمله قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب سال ۱۳۴۶ مواد ۱-۲۲، ۴۹، ۵۰، ۵۵، ۵۶ و دستورالعمل محرمانه ممانعت از کشت دیم

در اراضی شیبدار و دیگر موارد نتوانست جلوی روند تخریب را بگیرد. تا این که در سال ۱۳۵۷ بقایای مدیریت گذشته به طور کامل حذف شدند و مدیریت گذشته یعنی کدخدایان که در حد خیلی محدودتری اعمال مدیریت روی منطقه کوچک روستای خود را داشتند از بین رفته و مجدداً خلأ مدیریتی فشار بیشتری را روی عرصه های آبخیز به خصوص جنگلها و مراتع وارد کرد و سیر هجوم مردم برای دستیابی به اراضی بیشتر و تملک و ایجاد مالکیت روز افزون گردید تا جایی که قوانین وضع شده هیچکدام به درستی نتوانست جلوی تخریب را بگیرد و رشد ناهنجار جمعیت مزید بر علت گردید و دولت برای جبران خلأ مدیریتی شوراهای اسلامی را پیشنهاد داد و به طور گسترده در روستاها و عشایر شکل گرفت و تا مدتی به عنوان یک مدیر در

سطح روستاها و عشایر عمل می‌کردند. نقش این شوراهای به دلیل نداشتن جایگاه فنی و اقتصادی که از ارگان اساسی مدیریت می‌باشند به تدریج کم رنگ شد.* به طوری که خلاء مدیریتی دامنه بیشتری پیدا کرده و پیامدهای ناگوار آن بر عرصه‌های تولید حوزه‌های آبخیز به خوبی نمایان گشت. لذا با توجه به تعریفی که از آبخیز و آبخیزداری رفت، در حوزه‌های آبخیز نیاز به مدیریتی می‌باشد که توسعه پایدار و هماهنگ عرصه را به عهده بگیرد تا بتواند خلاء مدیریتی را به نحو مطلوبی پر کرده و مشارکت مردم را در زمینه‌های مالی، شناخت، برنامه ریزی،

مشاوره، راهنما و ناظر بر حسن اجرای کار و طرح ایفای وظیفه کند. در این روش مردم خود را در تمامی زمینه‌ها محور اصلی می‌بینند و دولت به عنوان مشاوره عهده دار ارائه دانش فنی و نظارت بر حسن انجام کار خواهد بود. در نتیجه مردم علل شکست یا پیروزی طرح را در خود می‌بینند و در خود اعتماد به نفس پیدا کرده و گامهای بعدی را برای کارهای بزرگتر با اطمینان و قدرت بیشتری بر خواهند داشت تجربیات گذشته کار در عرصه‌های آبخیز و روند تاریخی تولید و مدیریت حکم می‌کند که محور اصلی طرح را نقش مشارکت مردم در یک قالب

حوزه‌های آبخیز مجموعه‌هایی هستند که کلیه عوامل موجود در آنها به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در ارتباط با هم بوده و به نوعی بر یکدیگر تأثیر دارند به طوری که جدا کردن این مجاری از یکدیگر و بهره‌برداری غیر اصولی از آنها هر چند در کوتاه مدت و مقطعی ممکن است نتیجه مثبتی داشته باشد ولی در دراز مدت در سیستم کاری بقیه اجزا اختلال به وجود آورده و به عنوان یک عامل بازدارنده نتایج زیانبار اقتصادی و اجتماعی گسترده در پی خواهد داشت.

تدوین و اجرا رونق بخشد. چنانچه مدیریت و اجراء دولتی باشد نیاز به هزینه‌های سرسام آور و ایجاد ادارات عریض و طویل می‌باشد. در نهایت به دلیل خارج بودن یا حاشیه‌ای بودن نقش مردم نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت همچنان که دولت خود به این نتیجه رسیده که کارها را به طور گسترده به مردم واگذار کند.

بهر ترتیب این امر به دلیل وضعیت تاریخی و ساختار اجتماعی کشور دیگر امکان نخواهد داشت. و یا این که همکاری و همیاری عموم مردم را در تمامی جنبه‌های کار شامل سرمایه گذاری، شناخت، برنامه ریزی و اجراء به طور قانونمند در یک قالب مدیریت مناسب اعمال نمود به طوری که خصیصه‌های مدیریت که شامل جایگاه اقتصادی، اجتماعی، قانونی همراه با تعهد و تخصص را داشته باشد و دولت به عنوان

قانونمند قرار دهیم و دولت مشاور و راهنما باشد.

در این روش با جمع آوری سرمایه‌ای اندک مردم و نیروی کار و تخصص آنها در هدایت و رهبری عرصه‌های تولید و استفاده بهینه از پتانسیلهای بالقوه در یک قالب قانونمند و حساب شده، باعث کاهش دیوان سالاری و افزایش حضور مردم در عرصه‌های تولید خواهیم شد و چراغ راهنمای این مدیریت قانونمند طرح مدونی است که بر مبنای یک شناخت کامل و اصولی از وضعیت موجود و نیازهای کوتاه مدت و دراز مدت حوزه آبخیز مورد نظر اجراء می‌گردد.

این مدیریت هماهنگ تحت عنوان شرکت تعاونی چند منظوره آبخیز داران که خصیصه‌های مدیریت را دارا بوده و چراغ راهنمای آنها طرح آبخیزداری است کلیه نیازهای کوتاه مدت و دراز مدت توسعه

پایدار منطقه مورد نظر را بر مبنای شناخت کامل از عرصه و پتانسیلهای آن رفع می‌نماید.

این شرکت دارای اساس نامه بوده و از حمایت قانونی نیز برخوردار است و به دلیلی که مردم به هیأت مدیره و بازرسان رأی می‌دهند دارای جایگاه اجتماعی است و از نظر اقتصادی با خرید سهام توسط اعضاء قوام لازم را دارد و می‌تواند استقلال مادی پیدا کند. این شرکت سرمایه‌های اندک روستائیان و عشایر را جمع‌آوری کرده و به نحو مطلوب در جهت اهداف توسعه پایدار هدایت و رهبری می‌کند. اما اینک این سؤال پیش می‌آید که آیا این شرکت باید طبق اهداف و برنامه‌های خاص در حوزه آبخیز حرکت کند یا این که به کار مجموعه عوامل بپردازد.

همان طور که گفته شد حوزه آبخیز به عنوان یک واحد هیدرولوژیک از یک سری عوامل و فاکتور هایی تشکیل شده است که به نحوی بر یکدیگر اثر متقابل دارند و جدا کردن آنها از یکدیگر در دراز مدت اثرات بازدارنده و تنش زایی را روی بقیه فاکتورها خواهند داشت و در نهایت منجر به شکست طرح خواهد شد و علاوه بر آن به دلیل محدود بودن سطح عمل طرح که بر مبنای سامان عرف تهیه می‌شود و تعداد محدود بهره برداران (روستائیان و یا عشایر) نمی‌تواند برای هر بخش یک شرکت تعاونی تأسیس نموده و آنها را به هم ارتباط داد، نتیجه این امر باعث پراکنده کاری و سردرگمی روستائیان خواهد شد و از حالت یک تمرکز گرایی مطلوب خارج می‌گردد.

توضیحاً این که موارد فوق در شرایط عام بوده و در شرایط ویژه می‌توان شرکتی خاص برای مواردی خاص تأسیس کرد.

لذا یک شرکت تعاونی متمرکز شده و با نظارت کافی و مطلوب دستگاههای اداری ذیربط به عنوان ناظر و مشاور می‌تواند با

جمع آوری سرمایه‌های اندک آبخیز نشینان و دادن دانش فنی لازم به نیروهای موجود روشن کردن برنامه زمان بندی شده اجرایی در یک طرح مدون و با شناخت کامل از کلیه عوامل تأثیر گذار موجود توسعه پایدار و هماهنگی را به وجود آورد که بازتاب آن را می‌توان در پر کردن خلاء مدیریتی ایجاد اشتغال، به فعل درآوردن پتانسیل‌های بالقوه و در نهایت خودکفایی، شکوفایی و استقلال کشور دیده و اعتماد به نفس را برای تولید بهینه و بیشتر در آبخیز نشینان به وجود آورد.

در غیر این صورت خلاء مدیریتی استعدادهای بالقوه حوزه های آبخیز را نابود کرده و آن وقت باید نظاره‌گر وابستگی کامل، فقر و مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی بوده و در این صورت صد البته که دیگر کاری نمی‌توان کرد.

نگاهی به عملکرد شرکت تعاونی چند منظوره آبخیز داران نوایگان داراب

بعد از انتخاب هیأت مدیره و بازرسان اصلی و علی‌البدل توسط هیأت مدیره کارهای زیر توسط شرکت انجام گرفته است:

(۱) ثبت شرکت در تابستان ۱۳۷۵ با شماره ثبت ۱۹۹.

(۲) انتخاب محل کار شرکت در نوایگان و نصب تابلو شرکت.

(۳) شرکت در نمایشگاه بین المللی تهران تحت عنوان توانمندیهای استان فارس برای راه یابی به بازارهای داخلی و خارجی.

(۴) تأمین سوخت فسیلی (نفت) مورد نیاز روستاها برای جایگزینی با هیزم و بوته‌های جنگلی به طوری که زمستان سال ۱۳۷۵ کمبود سوخت وجود نداشت.

(۵) گرفتن مبلغ ۴۸۰۲۰۰۰۰۰ ریال وام از محل تبصره ۶۲ و مبلغ ۵۹۰۰۰۰۰۰ ریال وام از تبصره سه قانون بودجه و اعتبارات

شرکت تعاونی چند منظوره آبخیز داران نوایگان داراب با ۳۹۶ نفر عضو و ۶۲ میلیون و ۷۰۰ هزار ریال سرمایه اولیه در سال ۱۳۷۵، به منظور پیگیری و مشارکت کلیه اهالی روستا در اجرا و اداره طرح آبخیز داران و حل مسائل و مشکلات روستا و همچنین بازاریابی و فروش محصولات تولیدی روستا تحت نظارت اداره کل تعاون فارس به ثبت رسیده است.

قریب ۶۶/۴ درصد زیر ۱۷ سال سن دارد پر کردن اوقات فراغت جوانان برای پرهیز از ناهنجاریهای اجتماعی یک امر مهم و حیاتی است و در همین راستا شرکت با تشکیل تیم فوتبال تحت عنوان آبخیزداران نوایگان و تأمین امکاناتی نظیر لباس و توپ ورزشی، مهیا کردن زمین ورزشی، به کارگیری مربی، کرایه رفت و آمد بخشی از اوقات فراغت جوانان را پر کرده است و چند مسابقه در سطح شهرستان و استان نیز بر پا نموده است.

ضمناً از طرف شرکت با تربیت بدنی شهرستان هماهنگی لازم در این خصوص به عمل آمده است.

(۹) تهیه سموم و کود مورد نیاز اعضاء کشاورز شرکت از مدیریت کشاورزی شهرستان و مراکز تولید و توزیع.

(۱۰) گرفتن موافقت اصولی برای تأسیس صنایع بسته بندی خشکبار، غلات و حبوبات با ظرفیت ۱۶۰۰ تن در سال.

(۱۱) با توجه به این که خطوط انتقال برق از فاصله ۸ کیلومتری روستای نوایگان عبور می‌کرده این روستا فاقد شبکه برق بوده که با تلاش و پیگیری مستمر شرکت و مردم از طریق شرکت برق منطقه‌ای فارس کار برق رسانی انجام گرفت در این ارتباط کار شرکت در قالب بسیج مردم برای کندن جای پایه‌های برق به طول ۸ کیلومتر و نصب کلیه پایه‌ها در داخل روستا. مشترک کردن ۲۷۰ خانوار با اداره برق، قرار دادن کنتور در اختیار مردم بدون این که کسی به شهر و یا اداره برق مراجعه کند. از جمله اقدامات بوده است.

(۱۲) تماس با مرکز بهداشت و جمع آوری

سال ۱۳۷۵ برای انجام عملیات آبخیزداری و سکوبندی پای درختان دیم و نظارت کامل در هزینه کردن اعتبارات با همکاری کارشناسان مدیریت آبخیز داری و به حد ممکن رساندن فرسایش خاک و آب در محدوده عمل.

(۶) بسیج عمومی اعضاء و ساکنین روستای نوایگان جهت حفاظت از جنگلها و مراتع و بوته‌های مرتعی و آماده کردن کلیه اعضاء به انجام وظیفه به عنوان یک جنگلبان افتخاری.

(۷) شکار حیات وحش به حدی بوده که حیواناتی مثل کل و بز و قوچ و میش وحشی کاملاً از بین رفته و پرندگان مثل کبک و تیهو هم به شدت مورد تهاجم واقع شده‌اند.

شرکت با بسیج عمومی و آگاهی دادن به اعضاء و مردم روستای نوایگان شکار حیات وحش را به حداقل ممکن رسانده و محیطی امن برای آنها به وجود آورده است و شکارچیان شهر داراب و روستاهای همجوار که زمانی کوههای نوایگان را برای شکار انتخاب می‌کردند حال به این نتیجه رسیده‌اند که مردم نوایگان در غالب شکار اجازه تخریب محیط زیست را به آنها نمی‌دهند و لذا دیگر وارد منطقه نمی‌شوند نتیجه این اقدام را می‌توان در پرواز کبک‌ها و تیهوها به صورت دسته‌هایی چندتایی در سر تا سر جاده بین نوایگان و آبادیهای مربوطه دید و در آینده انتظار می‌رود با بوجود آمدن محیط مناسب و امن حیوانات شکاری دیگر نیز وارد منطقه شوند.

در این زمینه مکاتباتی نیز توسط شرکت با سازمان محیط زیست به عمل آمده است.

(۸) با توجه به جوان بودن جمعیت روستا که

در این زمینه مکاتباتی نیز توسط شرکت با سازمان محیط زیست به عمل آمده است.

(۸) با توجه به جوان بودن جمعیت روستا که

در این زمینه مکاتباتی نیز توسط شرکت با سازمان محیط زیست به عمل آمده است.

(۸) با توجه به جوان بودن جمعیت روستا که

یخچال، پنکه، کولر، ماشین لباس شویی از مراکز تولید و تقسیم بین اعضاء با حداقل سود.

۱۹) پیگیری و تأمین یک دستگاه تانکر سوخت به گنجایش ۲۰ هزار لیتر برای ذخیره کردن نفت مورد نیاز اعضاء از طریق اداره کل منابع طبیعی فارس و حمل و نقل آن به روستا.

۲۰) پیگیری لازم برای احداث جاده بین مزارع از طریق اداره کشاورزی شهرستان و به نتیجه رسیدن تلاشها و شروع کار ماشین آلات راه سازی برای این امر.

۲۱) مکاتبه با صدا و سیمای فارس و اخذ موافقت جهت آنتن ماهواره‌ای تلویزیون برای بهره‌مندی روستائیان از سیمای جمهوری اسلامی و شروع عملیات ساختمانی مورد نیاز.

۲۲) گرفتن موافقت اصولی طرح پرورش ماهی در چشمه‌ها و قنوات محدوده طرح از نمایندگی شیلات فارس و تأمین اعتبار ۷۰۰۰۰۰۰۰ ریال وام تبصره ۴۶ برای اجرای طرح پرورش ماهی روی چشمه مزرعه آب با مشارکت مالکان چشمه و مزرعه و شرکت.

۲۳) در بهار سال ۱۳۷۶ بارش تگرگ به باغات محدوده طرح خساراتی وارد نمود که با پیگیری و تلاش شرکت مبلغ ۴۵۰۰۰۰۰۰ ریال وام تبصره ۶ و مبلغ ۱۸۰۷۵۰۰۰۰ ریال کمک بلاعوض برای جبران خسارت وارده و تأمین به حساب شرکت واریز شده است که کمک بلاعوض به کارهای عمرانی و زیربنایی روستا اختصاص داده شده است.

۲۴) خرید ۱۰۰ هزار سهام شرکت خدمات کشاورزی ایران به مبلغ ۳۵۰۰۰۰۰۰ ریال از طریق بانک کشاورزی.

۲۵) برنامه ریزی برای ایجاد صندوق خودیاری اعضاء به شرکت تعاونی چند منظوره آبخیز داران جهت عمران روستا و ایجاد زمینه اشتغال جوانان و آب



افزایش پیدا کرده است. بازتاب آن را می‌توان در تقویت روحیه تعاون در مردم، ایجاد انگیزه برای بازگشت به روستا و علاقمندی جوانان به مشارکت در تولید و توسعه روستا و کاهش تنش‌های اجتماعی و... دید.

۱۵) کوتاه کردن دست واسطه‌ها و خریدن محصولات اعضاء به قیمت مناسب که بازتاب آن ایجاد رقابت بین شرکت و واسطه‌ها و ایجاد انگیزه در بین مردم برای فروش محصولات خود به شرکت بوده است.

۱۶) پیگیری و مکاتبه لازم برای حل مشکلات دامداران عضو در زمینه‌های احداث آب انبار و آبشخور، حمام، تأمین داروهای دامپزشکی و نیازهای آموزشی آنها در زمینه بیماریها، انگلهای داخلی و خارجی دام و...

۱۷) تأمین ۱۲۰ تن جو از طریق اداره کل پشتیبانی امور دام و تقسیم بین اعضاء دامدار به قیمت مصوب.

۱۸) تأمین نیازمندیهای اعضاء از قبیل

مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال خودیاری مردم بر این امر و نظارت در احداث خانه بهداشت که کار و ساختمان مراحل پایانی خود را طی می‌کند.

۱۲) از بین بردن کامل مراجعات مکرر و سردرگمی اعضاء شرکت به شهر و ادارات جهت گرفتن وام، سموم و کود کشاورزی، تأمین سوخت، جو، داروهای دامپزشکی و... نتیجه این اقدام باعث شده که مردم از رفت و آمدهای مکرر و وقت‌گیر و هزینه آور و اغلب بی نتیجه به شهر و ادارات نجات یافته و یک پل ارتباطی منطقی و قانونمند و بین خود و ادارات پیدا کنند و به آینده خود امیدوار باشند و شرکت نقش محوری روستا را به عنوان مجری طرح آبخیز داران باز کند.

۱۲- اقدامات شرکت در مدت کوتاهی آن چنان چشمگیر بود که با اعلام اولین عضو پذیری جدید تعداد ۱۲۱ نفر با ارزش اسمی هر سهم ۲۰۰۰۰۰ ریال نقدی به اعضاء شرکت اضافه شدند و تعداد اعضاء کلاً به ۵۱۷ نفر و سرمایه آن به ۸۶۹۰۰۰۰۰ ریال

آشامیدنی روستا و گرفتن موافقت و طرح آن.

۲۶) پیگیری مستمر برای تهیه و اجرای طرح بهسازی و آب آشامیدنی روستا و گرفتن موافقت و تهیه طرح آن و واریز مبلغ ۲۰ میلیون ریال جهت خودسازی و بهسازی و ده میلیون ریال برای توسعه و ترمیم آب به حساب جهاد سازندگی داراب. ۲۷) تهیه شناسنامه آموزشی ترویجی برای تک تک اعضای شرکت به منظور تدوین برنامه آموزشی ترویجی برای آنها و زمینه‌های تولید و اشتغال زایی منطقه و همچنین تشکیل کلاسهای آموزشی و ترویجی در زمینه‌های مختلف. ۲۸) ارائه گزارش بیان کار و جلسه پرسش و پاسخ هر سه ماه یک بار در مسجد روستا با حضور اعضای توسط هیأت مدیره و مدیر عامل و بازرسان برای جلوگیری از انحرافات احتمالی.

۲۹) استخدام حسابدار و تنظیم اسناد مالی به طور مستمر برای گویا بودن عملکرد شرکت و کاهش انحرافات احتمالی.

۳۰) بورسیه کردن دو نفر از جوانان دیپلمه عضو برای آموزش کاردانی امور دام و آبخیز داری در مرکز آموزش عالی بعثت شیراز جهت پیشبرد اهداف طرح.

۳۱) تشکیل کلاسهای خط و قرآن در تابستان برای اعضای و فرزندان آنها.

۳۲) تأمین سه تن شکر با قیمت مصوب برای اعضای زنبوردار و تقسیم بین آنها.

برنامه‌های آینده شرکت

۱- اصلاح و احیاء و توسعه و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع و گیاهان دارویی و اجرای سیستم چرائی مناسب بر اساس طرح آبخیز داری.

۲- حفظ و احیاء توسعه و بهره‌برداری از حیات وحش بر اساس طرح.

۳- آموزش برنامه ریزی شده اعضای برای بالا بردن سطح دانش فنی آنها در زمینه‌های مختلف تولیدی.

۴- استفاده بهینه از پتانسیلهای بالقوه محدوده طرح برای بالا بردن سطح درآمد عمومی و اشتغالزایی در جهت توسعه پایدار.

۵- قطع کامل دست واسطه‌ها به منظور بالا بردن سطح درآمد اعضا.

۶- ایجاد جاده بین روستا و آبادیهای مزرعه و آب و آب گرد به طول ۱۴ کیلومتر به منظور کاهش مشکلات و هزینه حمل و نقل اعضای ساکن در آبادیها.

۷- ایجاد خطوط حمل و نقل کابلی از باغات به روستا در مناطق کوهستانی و صعب العبور، اصلاح و توسعه شبکه آبرسانی، توسعه و بهسازی، بهداشت و درمان و... در محدوده طرح.

۸- گسترش امکانات رفاهی، ورزشی، تفریحی، فرهنگی، هنری برای پر کردن اوقات فراقت اعضا.

۹- تأمین نیازمندیهای باغداران، زنبورداران، دامداران و قالی بافان و... و توسعه کلیه پتانسیلهای تولید بر اساس طرح.

۱۰- اجرای مفاد طرح آبخیزداری نوایگان مشکلات و تنگناهای موجود در راه ایجاد تعاونی چند منظوره آبخیز داران

۱- وسعت دامنه تغییر افکار و روابط عشیره‌ای، اختلاف در میزان درآمد روستائیان و عشایر و نبود یک مرکزیت مناسب بین آنها باعث بروز مشکلاتی شده است.

۲- نبود هماهنگی مطلوب و قانونمند بین دستگاههای اجرایی.

۳- نبود ارتباط منظم و اصولی بین دستگاههای اجرایی و مردم و ضعیف بودن روحیه تعاون بین روستائیان به علل مختلف.

۴- دیر بازده بودن سرمایه گذاری در روستاها و مشکل سرمایه گذاری روستائیان به علت درآمد کم و محدود آنها. ۵- مشکل دانش فنی روستائیان و عشایر.

۶- رشد بی رویه جمعیت روستائیان و عشایر.

۷- آشنا نبودن مردم به قوانین تعاون و نحوه برخورد با تخلفات احتمالی هیأت مدیره و مدیران عامل شرکتها.

راه حلها

۱- بررسی و نگاه به حوزه‌های آبخیز به عنوان یک مجموعه جدایی‌ناپذیر و بازگشت به اصل مفهوم آبخیز داران به عنوان یک مدیریت هماهنگ و قانونمند و جامع.

۲- ایجاد روحیه تعاون و تشکل پذیری در بین روستائیان و عشایر و دادن اعتماد به نفس به آنها جهت حرکت به سمت انجام کارهای بزرگ با مدیریت خود آنها.

۳- ایجاد هماهنگی به صورت قانونمند بین دستگاههای اجرایی جهت ارائه خدمات لازم در قالب یک طرح مدون بر اساس شناخت کامل از عرصه و نیازمندیهای آن در یک برنامه زمان بندی شده کوتاه مدت و درازمدت.

۴- کسب اعتماد روستائیان و عشایر با یک کار ترویجی منظم و حساب شده بدون پرداختن به وعده‌های بیهوده و روشن کردن راه آینده آنها.

۵- دانش فنی لازم را می‌توان به صورت یک برنامه منظم در کلاسهای کوتاه مدت و دراز مدت به مردم آموزش داد.

۶- دادن تسهیلات اعتباری لازم و امکانات مورد نیاز به تشکلهای تعاونی آبخیز داران برای کمک به حل مشکلات آنها و جلب علاقمندی و اعتماد سایر روستائیان همجوار به مشارکت در حل معضلات حوزه‌های آبخیز.

۷- آموزش قوانین تعاون به اعضای و برگزاری آزمون بین آنها برای جلوگیری از انحراف.

۸- نظارت فنی و اعتباری مستمر و برنامه ریزی شده بر عملکرد شرکتها و تعاونی آبخیز داران جهت بر طرف کردن

تعاونیه‌های کشاورزان برای ارائه آموزش، اطلاع رسانی و راهنمایی کشاورزان در مدیریت مزارع جدید مانند محیط زیست در موقعیت خوبی قرار دارند. از این رو با همکاری در تعاونیه‌ها، بازیگران کوچکی مثل کشاورزان می‌توانند به فن آوری دسترسی داشته باشند. به هر حال، توسعه فقط پیشرفت در فن آوری نیست بلکه همچنین تغییری در طرز فکر برای بهبود عملکرد است که نیاز به آموزش دارد. برای مثال در آفریقا ۷۵ درصد تولیدات توسط زنان انجام می‌گیرد. تعاونیه‌ها می‌توانند در تغییر طرز فکر و علاوه بر آن پیشرفت فن آوری مؤثر باشند، که هر دو لازمه نوآوری در کشاورزی است.



و مزارعشان تصاحب شده است فکری کنند.

۴- تقویت توان اقتصادی کشاورزان در بازار جهانی غذا:

همان طوری که زنجیره مواد غذایی در دنیا بیشتر در اختیار چند شرکت بزرگ قرار گرفته است، تعاونیه‌های کشاورزی باید راه‌های ملی و بین‌المللی همکاری با یکدیگر را که به همکاری درونی معروف است پیدا کنند. همکاری درونی شامل انجام معاملات عمده بین تعاونیه‌ها است. برای مثال تعاونیه‌ها می‌توانند برای ارتقاء صادرات، ادارات یا نمایندگی‌های یکسانی داشته باشند. تعاونی کشاورزی بعدی جهانی دارد که به طور کامل شناخته شده نیست اما این کار به توسعه همگرایی، همبستگی و تنوع و حمایت متقابل سیستم تجاری مثل رقابیشان نیاز دارد. این نیروی بالقوه توسط اتحاد قوی و بهره‌برداری توأم در سطح محلی ملی و بین‌المللی به وجود می‌آید.

اعضای IFAP در کشورهای در حال توسعه با تجربه تعاونی توسط دولت در کمک رسانی در مواقع مصیبت یا حوادث غیر مترقبه، از حمایت مالی کشاورزان استفاده می‌کنند. آنها از مالیات معاف هستند. امروزه، تعاونیه‌ها در کشورهای در حال توسعه خصوصی شده‌اند و کشاورزان در آنها مشارکت دارند. آنها دیگر از مالیات معاف نیستند و باید از لحاظ تجاری متکی به خود بوده و مانند یک وسیله دولتی نباشند. اغلب این تعاونیه‌ها

شکننده هستند آنها تلاش می‌کنند تا در شبکه تعاونیه‌های کشورهای صنعتی خصوصاً برای به دست آوردن مواد اولیه و اعتبار قرار گیرند. جدا از نهضت تعاونی، تعاونیه‌های کشاورزی می‌توانند نقش مهمی در مذاکرات با شرکتهای بخش خصوصی از طرف اعضاء داشته باشند. برای مثال این امر موجب مذاکره برای مواد اولیه و قرار داد برای تولید مواد بیوتکنیک می‌شود. تعاونیه‌ها همچنین می‌توانند از طرف اعضایشان با خرده‌فروشان مذاکره و اصول مورد توافق را برای عملکرد مناسب بازاریابی کشاورزی تأسیس کنند. تقاضاهای مصرف کننده برای کالاها با نوع قابل تشخیص حوزه جدیدی را برای تعاونیه‌ها ایجاد می‌کنند. در بازار جهانی که توسط شرکتهای اداره می‌شوند تعاونیه‌ها اشکال متفاوتی از تحصیل سرمایه را برای بقا نیاز دارند. اغلب آنها مجبورند که با شرکتهای خصوصی متحد شوند. تعاونیه‌ها در حال تغییر هستند زیرا کشاورزی در حال تغییر است. تعاونیه‌های بزرگ به طور اجتناب ناپذیری در کار روزانه مانند

شرکتهای خصوصی کار می‌کنند. اما هنگامی که تعاونیه‌ها به رشد و توسعه نیاز دارند باید اعضایشان را برای این کار آموزش و تعلیم دهند.

نتیجه‌گیری:

اقتصادهای ملی به طور پیوسته در بازار اقتصاد جهانی ادغام می‌شوند. شرکتهای از منابع بین‌المللی تأمین مالی می‌شوند و تجارت معمولاً انتقال داخلی در بین شرکتهای بین‌المللی را نشان می‌دهد.

این جریان توسط دولت‌های ملی که تغییر قانون می‌دهند، خصوصی سازی می‌کنند و اقتصاد ملی شان را آزاد می‌سازند - تشویق می‌شوند. در همان حال دولت‌ها از کشاورزان حمایت نمی‌کنند. تعاونیه‌های کشاورزی و سایر تشکیلات تجاری وابسته به کشاورزی با وظیفه ایجاد قدرت تجاری می‌بایستی در بین خود نوآوری و همکاری داشته باشند. آنها همچنان شریکی مهم در تشکیلات تخصصی کشاورزان برای مذاکره از طرف کشاورزان با شرکای دیگر در زنجیره مواد غذایی هستند. اما نکته مهم این است که تعاونیه‌ها وسیله مهمی برای هر یک از خانواده‌های کشاورزان برای بهبود وضع اقتصادی شان از طریق همکاری بیشتر هستند.

پی‌نوشت‌ها:

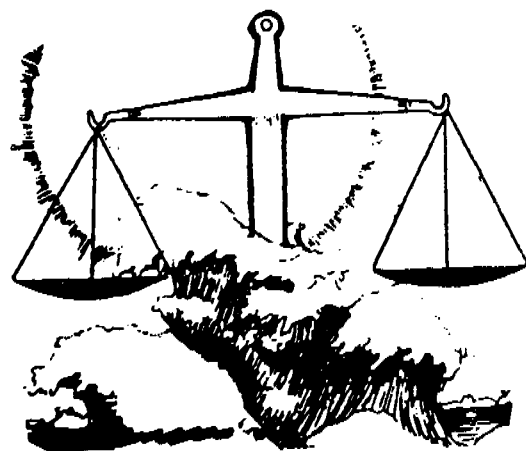
* IFAP که در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد سازمان جهانی کشاورزان است و هم اکنون ۸۲ سازمان کشاورزی از ۵۸ کشور جهان عضویت آن را دارا هستند، این عبارت از کسبه نماینده تعاونی کشاورزی IFAP در ۲۹ مارس ۱۹۹۸ اقیانوس شده است.

نشد. آیا اتحادیه تعاونی مجاز است قسمتی از زمین خریداری را که از محل پیش پرداخت کارمندان دولت تأمین و تفکیک شده از قرعه کشی خارج کرده و در تصاحب و مالکیت خود نگه دارد؟

در این صورت موضع و تکلیف اتحادیه را در قبال وجوه حاصل از پیش پرداخت کارمندی که زمین به آنان تعلق نگرفته است از نظر قانونی مشخص نمائید.

○ پاسخ:

اولاً بنا به ضرورت، نظر عموم مسئولان محترم اتحادیه‌های تعاونی را به این اصل مهم معطوف می‌دارد که مطابق با مفاد بند ۶ ماده ۴۲ قانون بخش تعاونی، یکی از فعالیت‌های مجاز اتحادیه‌های تعاونی، تأمین نیازهای مشترک تعاونی‌های عضو می‌باشد و معامله مستقیم آنها با اعضاء حقیقی تعاونی‌های عضو، مغایر با نص صریح مزبور است. بنابراین اتحادیه‌های تعاونی مسکن می‌بایست از معامله مستقیم با اعضاء حقیقی تعاونی‌های عضو که خرید زمین از محل پیش پرداخت بلاواسطه و فروش قطعات تفکیکی به اعضاء تعاونیها از مصادیق آن است، اکیداً پرهیز نمایند. چه در غیر این صورت، فعالیت شرکت‌های تعاونی مسکن که به طور عمده و معمول، شامل تأمین زمین و احداث واحدهای مسکونی و واگذاری آنها به اعضاء می‌باشد، به احتمال قریب به یقین، با رکود و ضرر و زیان ناشی از آن و تعطیل مواجه خواهد بود.



پرسش و پاسخ حقوقی

از: سید یوسف اسماعیل صفوی

□ پرسش:

در ارتباط با عملکرد یکی از اتحادیه‌های تعاونی متشکله با عضویت شرکت‌های تعاونی مسکن کارمندان دولت یک شهرستان، نامه‌ای و اصل شده که نویسنده آن خود را به عنوان یکی از کارمندان فاقد مسکن دولت در شهرستان معینی معرفی کرده‌اند. به لحاظ آن که در نامه مزبور اثری از نام، شهرت و نشانی نویسنده ملاحظه نمی‌شود، لذا بدون اشاره به نام اتحادیه ذیلأ به پرسشهای طرح شده در نامه با اعمال اصلاحاتی، پاسخ داده می‌شود:

۱- قریب یک سال و نیم پیش بر مبنای اطلاعیه صادره از سوی اتحادیه تعاونی، مبنی بر درخواست وجه برای خرید زمین، گروهی از کارمندان دولت اقدام به واریز مستقیم مبلغ درخواستی به حساب اتحادیه نمودند.

اخیراً اتحادیه جهت تخصیص قطعات زمین خریداری شده بین واریزکنندگان وجه، به قرعه کشی متوسل گردید. لیکن برای تعدادی از قطعات تفکیکی زمین‌ها، قرعه کشی به عمل نیامد و در نتیجه به عده قابل توجهی از کارمندی که مبالغ مطالبه شده را پرداخت و در خرید زمین مشارکت کرده‌اند، زمینی تخصیص داده

فعالیت اتحادیه شرکت‌های تعاونی مسکن در صورتی با موازین قانونی و اساسنامه مربوط انطباق خواهد داشت که در جهت تأمین بخشی از هزینه‌های خود و نیز تسهیل فعالیت تعاونی‌های عضو، با تمهید مقدمات لازم و حصول اطمینان از امکان خرید زمین به قیمت مناسب به منظور آماده سازی، تفکیک و تقسیم بین تعاونی‌های عضو، سهمیه هر یک از شرکت‌های تعاونی را به تناسب اعضاء حقیقی آنها، مشخص کرده و ضمن محاسبه و تعیین قیمت زمین یا زمین‌های مورد نظر برای خرید و برآورد هزینه‌های متعلقه و کارمزد اتحادیه، از شرکت‌های تعاونی عضو بخواهد که در حد سهمیه مقرر، وجوه مورد نیاز را به صورت پیش پرداخت از اعضاء خود (ظرف مهلت زمانی معینی) دریافت کرده و به حساب اتحادیه واریز نمایند. مجوز خرید زمین به صورت کلی یا در قطعات متعدد، نحوه خرید، قیمت زمین و سایر اقدامات اتحادیه در مورد تأمین و تقسیم زمین بین تعاونی‌ها، در صورتی عاری از اشکال و اعتراضات موجه خواهد بود که قبلاً مجوز آن با ارائه گزارش کامل و جامعی، از مجمع عمومی عادی اتحادیه تحصیل

شده باشد. در صورت وجود آیین نامه معاملات مصوب مجمع، مشروط بر آن که از حیث تطبیق با مقررات قانونی به تأیید وزارت تعاون یا واحد تابعه آن در منطقه مربوط رسیده باشد، اتحادیه تعاونی مکلف است مطابق با مواد آن عمل نماید.

بنا به دلایل مزبور، انتقال قطعات زمین‌ها به شرکت‌های تعاونی مسکن عضو اتحادیه جهت ساخت واحدهای مسکونی برای پرداخت کنندگان وجوه و واگذاری آنها بین اعضای مربوط، ضرورت داشته و توصیه می‌شود.

ثانیاً، حتی در صورتی که شرکت‌های تعاونی مسکن نیز وفق مقررات اساسنامه، اقدام به اخذ پیش پرداخت از اعضای خود جهت خرید زمین نموده باشند، چنانچه برای هر یک از پرداخت کنندگان وجوه مورد مطالبه تعاونی، امکان ساخت و واگذاری واحد مسکونی، بر اساس نقشه مربوط و مقررات داخلی شرکت، میسر نباشد، می‌بایست قبل از شروع فعالیت ساخت و ساز و در اسرع وقت، وجوه پرداختی این گونه اعضاء به آنان مسترد شود تا از بروز اشکالات، اختلافات، طرح شکایات و دعاوی بعدی آنها جلوگیری به عمل آید.

قطع نظر از عدم وجاهت قانونی مطالبه و اخذ مستقیم پیش پرداخت توسط اتحادیه تعاونی از اعضای حقیقی تعاونیهای عضو و ضرورت تغییر و اصلاح عملکرد اتحادیه در این زمینه، لازم است اتحادیه تعاونی موضوع پرسش مطروحه، قبل از هر اقدامی وجوه مربوط به پیش پرداخت آن دسته از کارمندان را که به واسطه قرعه کشی از سهم شدن در زمین خریداری (که باید به شرح پیش گفته به تعاونیهای ذیربط منتقل شود) محروم شده‌اند، به منظور پیش‌گیری از شکایات به حق آنان که در صورت اقامه در دادگاه، منجر به محکومیت مسئولان اتحادیه خواهد شد، به پرداخت کنندگان وجه مسترد نماید.

لزوماً یادآوری می‌نماید که اتحادیه‌های تعاونی مسکن می‌توانند علاوه بر انجام فعالیت‌های متنوع موضوع ماده ۴۳ قانون که عیناً در ماده ۲ اساسنامه آنها منعکس شده است، با رعایت مفاد تبصره‌های ذیل این ماده از اساسنامه، از محل سرمایه و منابع مالی خود و مشارکت تعاونیها و سایر نهادهای مذکور در اساسنامه و اخذ تسهیلات و وام از منابع اعتباری، به خرید یا ساخت دفتر کار، کارخانه یا کارگاه تولید مصالح ساختمانی مورد نیاز اعضاء و سایر اماکن لازم برای عرضه خدمات به تعاونیهای عضو و تأمین وسیله نقلیه مبادرت نمایند. همچنین خرید زمین، آپارتمان، برجهای مسکونی، خرید یا احداث مجتمع اداری برای

استقرار دفتر کار شرکت‌های تعاونی عضو که فاقد آن می‌باشند حسب مورد به منظور فروش یا اجاره دادن به تعاونیهای عضو به وسیله اتحادیه‌های تعاونیهای مسکن مشروط بر آن که بر اساس محاسبات دقیق انجام شده، مقرون به صرفه و صلاح اتحادیه و اعضای آن بوده و در آیین‌نامه معاملات پیش‌بینی شده و یا به تصویب مجمع عمومی عادی اتحادیه رسیده باشد، در صورت تأمین وجوه لازم برای انجام فعالیت‌های مذکور که سرمایه گذاری مجاز تلقی می‌شود، ممنوعیتی ندارد.

□ پرسش:

۲- آیا اتحادیه تعاونیهای مسکن مجاز است قسمتی از پیش پرداختهای کارمندان دولت را به حساب سپرده بانکی منتقل نموده و سود حاصله را به خود تخصیص دهد؟

○ پاسخ:

هر اتحادیه تعاونی می‌تواند آن قسمت از سرمایه خود را که مازاد بر نیاز می‌باشد، با تصویب مجمع عمومی عادی به حساب سپرده بانکی تودیع نموده و بدین وسیله از محل سود حاصله به تأمین هزینه‌های جاری خود کمک نماید لیکن به لحاظ آن که مطالبه و دریافت مستقیم هر گونه وجهی از کارمندان دولت توسط اتحادیه‌ها خارج از وظایف و اختیارات و محدوده فعالیت آنهاست، به طریق اولی قابل تودیع در بانک یا حتی نگهداری در حسابهای اتحادیه نیز نمی‌باشد.

□ پرسش:

۳- در مجاورت زمین خریداری اتحادیه تعاونی که به قطعات ۲۰۰ متر مربعی تفکیک و تقسیم شده است، زمین هایی با متراژ مشابه و برخوردار از جواز ساخت وجود دارد که حدود ۲۰ درصد ارزانتر از مبلغی که اتحادیه بابت خرید زمین از کارمندان دولت دریافت کرده است، به صورت آزاد معامله می‌شود. با توجه به این که اتحادیه تعاونی زمین را به صورت کلی و طبعاً ارزانتر خریداری کرده است چرا قطعات آن را گرانتر از بازار آزاد به کارمندان دولت می‌فروشد؟ چه مرجع و یا ارگانی باید بر عملکرد اتحادیه تعاونی از جهات حقوقی و مالی نظارت داشته باشد؟

○ پاسخ:

صرفنظر از اشکال و ایراد اساسی که در صورت صحت مطالبی که از سوی نویسنده نامه عنوان شده، بر عملکرد اتحادیه وارد است، کارمندان شاکی می‌توانند اعتراض خود را در مورد یاد شده، مستقیماً یا از طریق شرکت تعاونی که عضو آن می‌باشند، به هیأت بازرسی اتحادیه که مرجع رسیدگی به شکایت از عملکرد مدیران

اتحادیه تعاونی مربوط است، منعکس نمایند تا حسب وظیفه قانونی خود، اسناد و مدارک خرید زمین و هزینه‌های انجام شده را مورد بررسی قرار داده و نتایج حاصله را در صورتی که مؤید وقوع تخلف و سوء استفاده مالی باشد برای اخذ تصمیم لازم به مجمع عمومی عادی یا فوق العاده اتحادیه با دستور جلسه متناسب با نوع مجمع که با رعایت مقررات قانون بخش تعاونی و اصلاحیه آن قابل تشکیل است، گزارش نماید. تصمیم مجمع عمومی در صورتی که به نحو صحیح برگزار و اتخاذ شده باشد، لازم الاجرا خواهد بود. مجمع عمومی بر حسب آن که متناسب با نوع و شدت تخلف فوق العاده یا عادی باشد می‌تواند متخلف یا متخلفین را از سمت‌های مربوطه عزل نموده و در صورت لزوم اعلام جرم علیه آنان در مرجع قضایی و مطالبه ضرر و زیان وارده به اتحادیه و کارمندان متضرر از عملکرد مسئولان اتحادیه را مورد تصویب قرار دهد.

□ پرسش:

۴- مسئولان اتحادیه در مراجعه کارمندان شاکی و اعتراض آنان به قیمت گزاف زمین‌ها اظهار می‌دارند که ما تحت نظارت اداره تعاون فعالیت می‌کنیم و عملکردمان مورد تأیید آن اداره است و با طرح چنین مطالبی اعمال خلاف خود را توجیه می‌نمایند. آیا امکان این که عملکرد اتحادیه از طریق وزارت تعاون یا ارگان دیگری حسابرسی شود وجود دارد یا نه؟

○ پاسخ:

گرچه ادارات تعاون در حد امکانات کارشناسی خود می‌توانند بر فعالیت تعاونیها نظارت نمایند و وزارت تعاون از طریق دفتر تخصصی مربوط مجاز به حسابرسی از عملکرد تعاونیها می‌باشد اما محدودیت امکانات آن در مقایسه با کثرت فوق العاده تعاونیها مانع از حسابرسی از عملکرد عموم تعاونیها که معمولاً خواستار آن هستند می‌گردد و لذا در این مورد نیز توصیه می‌شود با مراجعه به هیأت مدیره شرکتهای تعاونی عضو اتحادیه و جلب نظر آنان به لزوم حسابرسی از عملکرد اتحادیه، از طریق مجمع عمومی عادی اتحادیه و یا هیأت بازرسی آن موجبات حسابرسی مورد نظر را فراهم نمائید. حسابرسی از عملکرد هر تعاونی توسط کارشناس رسمی دادگستری در صورتی که مسئولان آن مرتکب سوء استفاده مالی و خیانت در امانت شده باشند با تسلیم شکایت به دادگاه و تقاضای جلب نظر کارشناس مالی از طریق حسابرسی، با رعایت اصول و موازین قانونی، امکان پذیر می‌باشد. در هر حال تنها مرجعی که می‌تواند مسئول یا مسئولان متخلف تعاونیها را

مجازات و احقاق حق نماید محاکم قضایی می‌باشند.
□ پرسش:

آقای علیرضا صمیمی که به قسمت عمده‌ای از پرسش‌های ایشان در شماره‌های پیشین مجله پاسخ داده شد، سئوالهای دیگری را نیز طرح کرده‌اند که دو مورد از آنها و پاسخ هر یک به شرح اجمالی زیر به نظر خوانندگان گرامی میرسد:

۱- برخی از شرکتهای تعاونی به ویژه تعاونیهای تولیدی که از محل اعتبارات تخصیص یافته به بخش تعاونی به بهره‌برداری رسیده‌اند از به کار بردن نام و عنوان «تعاونی» در سر برگ نامه‌ها و محصولات تولیدی خود که برای فروش عرضه می‌کنند، خود داری می‌ورزند. آیا اقدام آنان در این مورد خلاف قوانین و مقررات موضوعه است یا نه و در صورتی که خلاف است آیا وزارت تعاون می‌تواند با آنان برخورد نماید؟
○ پاسخ:

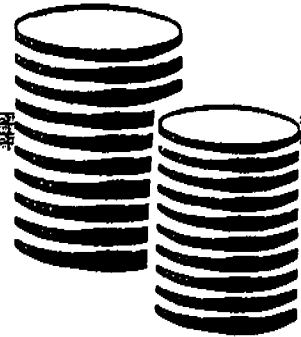
مطابق با مقررات قانون تجارت، هر شرکتی مکلف است نوع خود را در سر برگ نامه‌ها و مکاتبات و اطلاعیه‌ها و غیر آنها مشخصاً ذکر و تصریح نماید. از طرفی در ماده ۵ قانون بخش تعاونی تأکید شده است که نام هر یک از تعاونیها می‌بایست با قید کلمه «تعاونی» در اساسنامه آنها نوشته شود. به این ترتیب هیچ یک از این تعاونیها مجاز نیستند واژه «تعاونی» را که همراه با نام شرکت به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی نیز درج شده است در هر مورد که نیاز به ذکر نام است، حذف نمایند. با توجه به تعریفی که در ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی از جعل و تزویر شده و مجازاتی که برای استفاده کنندگان از اسناد و نوشته‌های غیررسمی جعلی در ماده ۵۲۶ قانون مزبور تعیین شده است، چنانچه حذف کلمه «تعاونی» از نام شرکت تعاونی به قصد تقلب صورت گرفته باشد قابل پیگرد خواهد بود. وزارت تعاون نیز می‌تواند بر اساس اختیارات قانونی خود از فعالیت چنین تعاونیهایی جلوگیری نماید. در صورت برخورد با چنین مواردی، مراتب را جهت بررسی و اقدام قانونی به وزارت تعاون اعلام فرمائید.

□ پرسش:

۲- آیا کارکنان وزارت تعاون می‌توانند همانند کارمندان سایر مؤسسات دولتی در تعاونیهای تولیدی عضویت داشته باشند؟
○ پاسخ:

برای عضویت کارکنان وزارت تعاون در شرکتهای تعاونی تولیدی ممنوعیتی پیش بینی نشده است. لیکن در صورتی که برای وزارت تعاون احراز شود که کارمند آن با کار شکنی و سهل

پاسخ به سئوالات مالی



از: معصومه گنجی، حسابرس مسئول اداره کل تعاون استان تهران

□ سؤال:

بازرس قانونی شرکت تعاونی تهیه و توزیع صنّف... اعلام داشته که در سال جاری برابر وظایف قانونی محوله دفاتر سال قبل را مورد بررسی قرار داده است و در بررسی قراردادهای منعقدّه فیما بین شرکت تعاونی و مؤسسات تولید کننده کالا مشاهده نموده که طبق قراردادهای، شرکت می‌بایست در پایان هر سال درصدی از کل خرید طی سال را به عنوان تخفیف خرید دریافت نماید که تخفیف محاسبه شده و قابل دریافت از یکی از کارخانجات طرف قرار داد به صورت نقد دریافت نشده و معادل مبلغ اعلام شده از سوی کارخانه مورد نظر حساب پیش پرداخت در مقابل حساب اسناد پرداختی بدهکار و معادل آن چکن از حساب بانکی شرکت در وجه کارخانه مورد نظر صادر شده و مدیران شرکت علت این امر را همکاری با مؤسسه طرف قرار داد به علت کمبود نقدینگی آنها ذکر نموده و اعلام می‌دارند که شرکت حاضر است معادل تخفیف محاسبه شده در سال جاری کالا به شرکت تحویل نماید و پرسیده‌اند ۱- آیا این ثبت صحیح است یا خیر و در صورتی که ثبت صحیح انجام نگرفته باشد ثبت صحیح آن چگونه خواهد بود؟
۲- آیا لازم نیست که کل مبلغ تعیین شده به صورت نقد از مؤسسه دریافت و به حساب شرکت تعاونی واریز گردد؟

○ پاسخ:

در پاسخ به بازرس محترم شرکت نخست به پرسش ۲ پرداخته و اعلام می‌دارد که عدم دریافت نقدی تخفیفات محاسبه شده ایرادی نداشته و انعکاس آن در حساب پیش پرداختها با مشکلی مواجه

نخواهد شد و به همان ترتیب که مدیران شرکت اعلام نموده‌اند معادل تخفیف محاسبه شده می‌توان در سال جاری از مؤسسه طرف قرار داد کالا دریافت نمود.

در پاسخ به پرسش یک لازم به تذکر است که در طرف بدهکار ثبت انجام شده همان طور که فوقاً ذکر گردید ایرادی مشاهده نمی‌شود ولی موضوع قابل بحث طرف بستانکار حساب یعنی اسناد پرداختی می‌باشد که این ثبت و صدور چک مدت‌دار معادل آن در وجه مؤسسه طرف قرار داد صحیح نبوده و می‌بایست نسبت به اصلاح ثبت و استرداد چک صادره اقدام گردد زیرا تخفیف دریافتی می‌بایستی در حساب تخفیفات خرید با ماهیت بستانکار ثبت و نهایتاً با انعکاس در حساب عملکرد موجبات کاهش قیمت تمام شده کالای فروش رفته و افزایش سود ویژه سال مربوطه را فراهم آورد در حالی که ثبت انجام شده در دفاتر شرکت عملاً تأثیری در سود ویژه نداشته و اصولاً بیانگر دریافت تخفیف نمی‌باشد علیهذا لازم است ضمن مذاکره با مسئولین هیأت مدیره و حسابدار شرکت موضوع را دقیقاً پی‌گیری و ترتیب استرداد چک صادره را فراهم آورید چه در غیر این صورت عمل هیأت مدیره مغایر با منافع اعضاء و سوء استفاده در اموال شرکت تلقی خواهد شد.

در خاتمه جهت توضیح بیشتر و پاسخ صریح سؤال اعلام می‌نماید ثبت صحیح تخفیفات دریافتی در وضعیت شرکت که تخفیف را نقداً دریافت ننموده به صورت زیر خواهد بود:

بدهکار	بستانکار
حساب پیش پرداخت	xxx
تخفیفات دریافتی خرید	xxx

که تخفیفات دریافتی در صورت حساب عملکرد از خرید شرکت کسر و خرید خالص را نشان خواهد داد.

جهت اصلاح ثبت انجام شده در دفاتر قانونی نیز با توجه به عدم اتمام مهلت قانونی بستن دفاتر (پایان تیر ماه) می‌بایست پس از استرداد چک صادره به صورت زیر عمل نمود:

بدهکار	بستانکار
حساب اسناد پرداختی	xx
تخفیفات دریافتی خرید	xx

که به این ترتیب حساب اسناد پرداختی تسویه و حساب تخفیفات دریافتی خرید در مقابل حساب پیش پرداختها قرار خواهد گرفت.

□ سؤال:

حسابدار شرکت تعاونی تولیدی... اظهار داشته‌اند که شرکت

برابر ضوابط موجود در سال گذشته نسبت به کارشناسی دارائیهای ثابت شرکت اقدام و پس از کسر هزینه های کارشناسی ارزش روز را در حسابها منعکس و سود حاصل از تجدید ارزیابی دارائیه را نیز تحت سرفصلی به همین نام ثبت نموده و پرسیده اند آیا سود برآورد شده طبق مقررات قابل تقسیم می باشد یا خیر و در صورت تقسیم مالیات آن چگونه و بر چه مبنایی قابل محاسبه خواهد بود؟

○ پاسخ:

قبل از پرداختن به پاسخ متذکر می گردد که منظور حسابدار از ثبت دارائیه پس از کسر هزینه کارشناسی مشخص نبود زیرا با توجه به ارزیابی دارائیه توسط کارشناسی رسمی و ضرورت پرداخت هزینه مربوط لزوماً معادل هزینه کارشناسی حساب صندوق، حساب بانکی و یا هر حساب پرداخت کننده دیگری می بایست در مقابل هزینه کارشناسی بستانکار گردد لذا نحوه ثبت مشخص نگردید و شایسته است حسابدار محترم چگونگی ثبت حسابداری را به وضوح اعلام داشته تا اظهار نظر در مورد آن میسر گردد اما در پاسخ به سؤال مطروحه موضوع نحوه تقسیم سود و محاسبه مالیات متعلقه لازم به ذکر است که انعکاس نتیجه ارزیابی دارائیه در حسابهای شرکت با توجه به ادامه فعالیت آن مغایر با اصول پذیرفته شده حسابداری «اصل قیمت تمام شده» می باشد و هدف از ارزیابی دارائیه و تعیین ارزش روز سهام شرکت صرفاً به منظور تعیین قیمت رسمی سهام جهت ورود اعضای جدید و پرداخت بهای سهام اعضای خروجی می باشد و انعکاس آن در حسابها و تقسیم سود حاصله اصولاً صحیح نبوده و از این بابت سودی بین اعضاء تقسیم نخواهد شد که با مشکل پرداخت مالیات و درصد مالیات متعلقه مواجه باشیم لذا ضروری است ثبت های انجام شده در ارتباط با افزایش بهای دارائیه های ارزیابی شده کلاً برگشت و اصلاح گردد به نحوی که قیمت دارائیه های منعکس شده در دفاتر قانونی، صورتهای مالی و سایر مدارک مالی با قیمت تمام شده دارائیه قبل از تجدید ارزیابی برابری نماید.

□ سؤال:

آقای احمد حیدر زاده عضو شرکت تعاونی مسکن... به قرار داد نظارت بر عملیات ساخت پروژه شرکت تعاونی که با یکی از اعضای تعاونی منعقد گردیده اعتراض نموده و این امر را مغایر با ماده ۱۲۹ قانون تجارت دانسته و خواستار راهنمایی در مورد چگونگی پیگیری تخلف هیأت مدیره در این زمینه شده است.

○ پاسخ:

ماده ۱۲۹ قانون تجارت اشاره به انعقاد قرار داد و معامله با اعضای هیأت مدیره و مدیران شرکت دارد و آن را نیز به طور قاطع منع ننموده و در این ماده قانونی تصریح گشته که معامله با اعضای هیأت مدیره می بایست مطابق با آیین نامه ای باشد که به تصویب مجمع عمومی رسیده و عملاً تصویب مجمع عمومی را برای معامله با مدیران کافی دانسته است لیکن این مورد برای اعضای شرکت تعاونی صادق نبوده و مدیران می توانند بعضی از امور شرکت را به اعضای تعاونی واگذار نمایند. بهر ترتیب، لازمه این امر آن است که طرف قرار داد صلاحیت لازم از نظر توانایی انجام کار را داشته و قرار داد با وی نیز مطابق مقررات و ضوابط جاری صورت پذیرفته و صرفه و صلاح اعضای شرکت را در پی داشته باشد که این مورد نیز از طریق رعایت تشریفات مناقضه و یا استعلام (حسب مورد) از افراد یا مؤسسات ذیصلاح امکان پذیر خواهد بود. پس از انعقاد قرار داد نیز رعایت ضوابط نظیر کسر کسورات قانونی، اخذ ضمانت نامه و کسر سپرده حسن انجام کار ضروری می باشد که در صورت تخلف مدیران از رعایت این موارد می توانید موضوع را نخست از طریق بازرسان قانونی شرکت و در صورت عدم رسیدگی آنان از طریق اداره کل تعاون استان پی گیری نمایید.

□ سؤال:

بازرس شرکت تعاونی تولیدی... طی نامه ای مرقوم داشته اند که بسیاری از دارائیه های ثابت شرکت به نام تعاونی نبوده و این دارائیه در زمان خرید حسب مورد به نام خریداران وقت نظیر رئیس هیأت مدیره، مسئول خرید، مدیر عامل و برخی از اعضای هیأت مدیره می باشد و ملک اداری شرکت نیز که در زمان تأسیس به عنوان آورده غیر نقدی مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره که پدر و فرزند می باشند به تعاونی آورده شد، به نام آنها بوده و به مالکیت تعاونی منتقل نگشته است و پرسیده اند آیا این موارد از نظر قانونی صحیح است یا خیر و توضیح داده اند که هیچ یک از آنها حاضر به انتقال قطعی ملک به نام تعاونی نمی باشند و ابراز می دارند که حق استفاده از ملک به تعاونی واگذار شده و به همین دلیل برای آن سرفصلی دریافت نگردیده در حالی که در زمان تشکیل تعاونی قیمت روز ملک به عنوان سرمایه و آورده آنها منظور شده است.

○ پاسخ:

در پاسخ به بازرس محترم شرکت یادآوری می نماید که از نظر قانونی در زمان خرید هر نوع دارایی برای شرکت یک یا چند تن از

○ پاسخ:

در پاسخ به این حسابدار محترم اعلام می‌دارد تنظیم سند مورد نظر مبنی بر محاسبه ذخیره استهلاک معادل ارزش دفتری دارایی از نظر اصولی قابل قبول و تأثیر صحیحی در حساب سود و زیان و نتیجه تراز نامه شرکت خواهد داشت ولی در چنین حالتی دفاتر قانونی نشانگر مبلغی دارائی و ذخیره استهلاک خواهد بود که واقعیت نداشته و قیمت تمام شده دارائیا و لیست اثاثه غیر واقعی می‌نماید لذا شایسته است به طریق مناسب قیمت تمام شده، دارایی مورد نظر و ذخیره مربوطه نیز از ردیف دارائیا و ذخایر حذف گردد به این منظور تنظیم سند حسابداری زیر و انعکاس آن در دفاتر قانونی پیشنهاد می‌گردد:

بدهکار	بستانکار
ذخیره استهلاک (محاسبه شده در سال قبل)	xxx
هزینه‌های اداری (معادل ارزش دفتری دارائی)	x
اثاثه اداری (معادل قیمت تمام شده)	xxx
حذف... از ردیف دارائیا و نقل به هزینه‌ها	

به این ترتیب ضمن حذف دارایی و ذخیره، ارزش دفتری آن نیز در حساب سود و زیان شرکت مؤثر و سود ویژه را به طریق اصولی کاهش خواهد داد و در واقع به زبان دیگر این رقم موجودی ملزومات شرکت بوده که در سال استفاده به حساب هزینه بسته شده است.

□ سؤال:

مدیر عامل شرکت تعاونی مسکن... اظهار می‌دارند که در سال گذشته به علت کثرت مراجعات و مشغله فراوان موفق به پلمپ دفاتر قانونی سال ۷۸ نشده‌اند و پرسیده‌اند آیا می‌توان در سال جاری (۷۸) از دفاتر سال قبل یا دفاتر فاقد پلمپ استفاده نمود یا خیر؟

○ پاسخ:

در پاسخ اعلام میدارد یکی از مهم‌ترین وظایف مسئولین شرکت تهیه دفاتر قانونی و پلمپ آن در موعد مقرر می‌باشد چه در غیر این صورت عملکرد مالی شرکت فاقد وجهت قانونی لازم بوده و استفاده از دفاتر بدون پلمپ و یا دفاتر سال قبل نمی‌تواند بر له مدیران در مراجع ذیصلاح قابل ارائه باشد. لذا با توجه به این که

افراد حقیقی عضو شرکت که دارنده حق امضاء می‌باشند به نمایندگی از سوی شرکت اقدام به خرید نموده و در قرار دادهای منعقدۀ افراد حقیقی مذکور به عنوان نماینده شرکت اقدام و سند مالکیت به نام تعاونی و به نمایندگی آنان صادر می‌گردد حالا اگر در قرار دادهای مربوطه و اسناد مالکیت‌های مورد نظر شما افراد مذکور به عنوان نماینده قانونی شرکت قید شده‌اند ایرادی در آنها مشاهده نمی‌شود ولی در صورتی که نام افراد مورد نظر به عنوان خریدار ذکر و نامی از شرکت تعاونی برده نشده است لازم است جهت انتقال قطعی این گونه دارائیا به نام شرکت اقدامات قانونی معمول گردد. زیرا این دارائیا متعلق به تمامی اعضای شرکت بود و بازرس شرکت به عنوان نماینده اعضاء می‌تواند مبادرت به احقاق حقوق آنان نماید.

در مورد ملک اداری شرکت نیز لازم است با مراجعه به مدارک و دفاتر قانونی مستند نحو ثبت این دارائی مشخص گردد، چنانچه ارزش سر قفلی به نام آورده اعضاء تلقی و سر قفلی به نام تعاونی شده باشد انتقال مالکیت ملک ضرورتی نخواهد داشت ولی در صورتی که ارزش زمین و ساختمان ملک توسط کارشناس رسمی ارزیابی و به عنوان آورده غیر نقدی اعضاء به هنگام عضویت تلقی شده باشد لازم است سند مالکیت آن نیز به نام تعاونی انتقال داده شود و در صورت عدم موافقت مالکین آن می‌توانید موضوع را از طریق مراجع قضایی تا حصول نتیجه پی‌گیری نمائید چه در غیر این صورت نامبردگان در هر زمان می‌توانند در ملک خود دخل و تصرف نمایند. در خاتمه یادآوری می‌نماید به طور معمول در هنگام تشکیل تعاونی مسئولین تشکیل تعاونی می‌بایستی در مورد انتقال مالکیت آورده و غیر نقدی اعضاء به تعاونی توجه لازم را مبذول دارند.

□ سؤال:

حسابدار شرکت تعاونی تهیه و توزیع صنف... طی نامه‌ای مرقوم داشته‌اند که در سال گذشته یکی از قطعات مصرفی نسبتاً گرانبهای کامپیوتر مورد استفاده شرکت اشتباهاً در ردیف اثاثیه اداری منظور و در پایان سال خرید نیز معادل ۱۰٪ قیمت تمام شده آن ذخیره استهلاک محاسبه گردیده است که در سال جاری با توجه به مصرفی بودن آن به اتمام رسیده و فاقد کارآیی لازم می‌باشد و پرسیده‌اند آیا می‌توان معادل ارزش دفتری دارائی عملاً صفر گردد یا روش دیگری در این مورد و موارد مشابه قابل اعمال می‌باشد؟

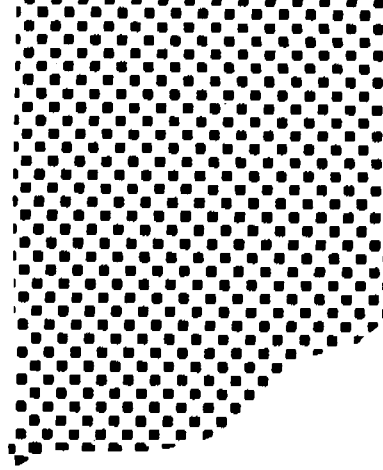
معمولاً در سایر شرکتهای تعاونی میزان حقوق پایینتر است.

با شرحی که از نهضت تعاون ایالت باسک داده شد اکنون بیان مطلب را به سیمای تعاونیهای ایالت باسک در طی بحران ۱۹۷۰ متمرکز نموده و به شرح آن چه که در جهان «اقتصاد اجتماعی» به عنوان یک راه چاره و یک عامل جایگزینی شناخته شده، که بسیار قابل اتکاء و مایه امیدواری نیز می باشد، یعنی «شرکتهای سهامی تعاونی» (Cooperative Stock Companies) می پردازیم. نظر به ماهیت ویژه «شرکتهای سهامی تعاونی» و این که اخیراً چگونه به وجود آمده اند، لزوماً می بایست در مورد ساختار آنها به تفصیل بحث کنیم، اگر چه به یقین باید گفت که قادر به بیان همه زوایا و ابهامات این موضوع نخواهیم شد، ولی این عنوان نیز تقریباً مشابه تعاریفی است که در سایر کشورها از واژه «تعاونی» Cooperative به عمل می آید.

پیدایش شرکتهای سهامی تعاونی

The Cooperative Stock Companies

اولین شرکت سهامی تعاونی (CSC) در سال ۱۹۷۹ در ایالت باسک تشکیل گردید. «بحران اقتصادی» در این سالها بسیاری از کارخانجات را به رکود کشاند و به خصوص کار آن دسته از کارگاههای کوچکی که تشکیلات محدود و ضعیف آنها توان مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی را نداشت و به ویژه از نقطه نظر مدیریت نمی توانست مورد توجه قرار گیرد را متوقف نمود. در این شرایط کارخانجات بزرگ با نیروی کار عظیم واقع در مناطقی که با موج بیکاری و عدم اشتغال رویارو بودند نیز با مسئولیت عظیمی برای حل مشکلات روبه رو شدند. بسیاری از شرکتهای سهامی تعاونی جدیدالتأسیس



گروه موندراگون

ترجمه: طاهره فرخی

یک تجربه موفق تعاونی در اسپانیا

قسمت ۲

اهم نکات اصلی مقررات اساسی گروه وابسته به کاجالبرال پابولار به شرح زیر است:

الف - کلیه اعضاء می بایست شاغل در گروه باشند.

ب - سهام اولیه ۱۰۰۰۰۰ پزتا معادل ۸۹۳۰ دلار می باشد که از این مبلغ ۱۵۰۰۰ پزتا معادل ۱۱۴۰ دلار آن به اندوخته احتیاطی اختصاص داده شده است.

ج - کلیه اعضاء در سود و زیان شرکت سهیم هستند. نحوه تقسیم سود و زیان به طریق زیر است:

۱- حداقل ۴۰٪ سود به ذخیره قانونی غیر قابل تقسیم اختصاص دارد.

۲- ۱۰٪ سود برای اندوخته «امور اجتماعی» کنار گذارده می شود.

۳- حداکثر ۵۰٪ سود سهام و مازاد برگشتی (سود قابل تقسیم بین اعضاء) اختصاص داده شده است.

د - سرمایه: ضرورت قوت سرمایه کاملاً

مورد تأیید است. ولی سرمایه فقط یک عامل فرعی است و به عنوان ابزار کار به شمار می رود و موارد زیر، ذیربط با سرمایه مد نظر قرار دارد:

۱- سود سهام سالانه معادل ۷/۵٪ است.

۲- ارزیابی مجدد بهای سهام در صورت افزایش قیمتها تا میزان ۷۰٪ صورت می گیرد.

۳- عدم استرداد سهام به اعضاء در طی دوران اشتغال در شرکت.

۴- سرمایه گذاری مجدد و پس انداز اعضاء برای زمان استعفاء، بازنشستگی و غیره به منظور جلوگیری از کاهش قدرت سرمایه شرکت و افزایش میزان پس انداز عضو در شرکت.

نظام پرداخت:

شاخص پرداخت به پرسنل در شرکت ۱- است یعنی بالاترین حقوق هیچ گاه بیش از شش برابر پایینترین حقوق نیست. بالاترین معیار پرداخت فقط در گروه تعاونی موندراگون انجام می گیرد و

معمولاً از کارخانجاتی به وجود آمدند که به دلیل خارج شدن از حیز انتفاع و از کارافتادگی ماشین آلات خود و کسادى بازار، ضعف مدیریت و فقدان سرمایه و غیره... ورشکسته شده بودند.

فرآیند آماده سازی کارخانجات:

در مرحله اول صاحبان کارخانجات می‌بایست کارخانه‌های ورشکسته و زیان ده را به کارگران واگذار نمایند و بعضاً قسمت ناچیزی از سهام را نیز برای خود نگهدارند، به امید آنکه کارگرانی که قبلاً هیچ گونه نقشی در تصمیمات و اداره کارخانه نداشته‌اند، بتوانند آن را احیاء و سود آور نمایند. تحت چنین اوضاع و احوالی کارگران به دو دلیل شرایط جدید را پذیرفتند:

اول آن که بتوانند تا جایی که ممکن است از عدم اشتغال و بیکاری جلوگیری کنند، که انجام آن کاملاً منطقی و اساسی به نظر می‌رسید. دیگر آن که اغلب کارگران ناگزیر از قبول این شرایط بودند زیرا اتحادیه‌های بازرگانی هیچ راه دیگری را به آنان عرضه نمی‌کردند که بتواند جانشین وضع بحرانی موجود باشد و به این ترتیب مرحله «مدیریت مشارکتی» یا خودگردانی از کارخانجات شروع شد.

کارگران به زودی دریافتند که وارث یک شرکت تعمیلی شده‌اند که به شدت مدیون دیگران و مقروض به تأمین اجتماعی و خزانه و تهیه کنندگان مواد اولیه و غیره است و ترازنامه منفی آن نشان می‌داد که شرکت برای رهایی از این ورطه نیازمند اقدامات فوری، و طرح تدابیر ضروری است. ضمناً دستمزدها هم می‌بایست ثابت و تولید نیز افزایش یابد و علاوه بر آن در چنین شرایطی می‌بایست جریان سالم سازی نیز توأم با حسن نیت مسئولین

حرکت نماید. جدا از مسائل مالی در آن شرایط بحرانی مشکل اساسی در زمینه پی ریزی و سازمان دهی مجدد صنعت در چارچوب برنامه تجدید حیات صنعتی، به کار گماردن مجدد کارکنان بود. اما این مشکل منحصراً با به کار گرفتن معیارهای تعاون قابل حل نبود. و از این رو به دلیل عدم کفایت منابع فنی، مالی، اقتصادی و همچنین با توجه به وضع بازار می‌بایستی شرکت‌های تعاونی را از روی آوردن به کارخانجات منع نموده و در این بین در کوتاه مدت با ایجاد اشتغال برای کارگران لزوماً انتظارات آنان را برآورده نمود، زیرا

«شرکت سهامی تعاونی» نامیده شود به شرح زیر بیان نمود:

الف - حداقل ۵۱٪ سهام سرمایه‌ای شرکت باید متعلق به کارگران باشد به محدودیت انتقال سهام که در آیین نامه‌ها و مقررات فرعی شرکت مقرر گردیده، اشاره شود.

ب - هیچ سهامداری نتواند بیش از ۲۵٪ سهام شرکت را رسماً دارا باشد.

ج - تأییدیه‌های سهام که معرف سرمایه شرکت است باید رسماً به ثبت برسد.

د- در متن تأییدیه‌هایی که معرف سهام شرکت است باید به محدودیت انتقال سهام که در آیین نامه‌ها و مقررات فرعی شرکت

ماده ۶۶ قانون تعاونیهای باسک، تعاون را به «نفع اجتماع» توصیف نموده است. این بیانیه منطبق با بند ۲ ماده ۱۲۹ قانون اساسی اسپانیا می‌باشد که طی آن مقامات دولتی مکلف شده‌اند که با وضع و تدوین مقررات مناسب، تشکیل شرکت‌های تعاونی را ترویج، تشویق و تقویت نمایند. اما نظریه و طرز تلقی قانون گذاران باسک صرفاً به انتشار قانون شرکت‌های تعاونی محدود نمی‌شود، بلکه محتوای قانون نشان دهنده حمایت روشن و صریح آن از تعاونیهاست و گواهِ بر این مدعا صرف هزینه‌ای بالغ بر بیش از ۵۴ میلیون دلار آمریکا یعنی تقریباً معادل ۶۰۰۰ میلیون پزتا Peseta در جهت حمایت از تعاونیها توسط بخشهای مختلف دولتی در ایالت باسک در سال ۱۹۸۸ است.

مقرر گردیده، اشاره شود.

به طور خلاصه شرکت‌های سهامی تعاونی، شرکت‌هایی هستند که حداقل ۵۱٪ سهام از کل سرمایه آنها متعلق به کارگرانی است که در ازای آن، خدمات خود را مستقیماً به شرکت ارائه می‌نمایند. کارگران باید به طور تمام وقت و برای مدت نامحدود در استخدام شرکت باشند و هیچ سهامداری در این گونه شرکت‌ها نمی‌تواند بیش از ۲۵٪ سهام از کل سرمایه را داشته باشد. در شرایط استثنایی سایر شرکت‌ها و

بازتاب تأثیر منفی تأخیر در این مسئله (برای حکومت) بیش از بسته شدن کارخانجات بود زیرا با توسل به این شیوه تنش ناشی از نگرانی و اضطراب و از عدم اشتغال کاهش می‌یافت.

قانون شرکت‌های سهامی تعاونی:

در راستای قانونمند نمودن طرح «اقتصاد اجتماعی»، دولت اسپانیا در ۲۵ آوریل ۱۹۸۹ با انتشار قانون «نحوه اداره امور شرکت‌های سهامی تعاونی»، ویژگیهای یک کارخانه را برای این که

بدون شک می‌توان گفت: در ایالت باسک به ندرت خانه‌ای یافت می‌شود که مستقیماً و یا به طریقی به سیستم «اقتصاد اجتماعی» مورد بحث وابسته نباشد. بیش از ۵٪ کل تولید انجام شده به شیوه‌های «اقتصاد اجتماعی» توسط شرکتهای سهامی تعاونی جوامع اروپایی به ایالت باسک اختصاص دارد.

ارگانهای دولتی می‌توانند تا میزان ۲۹٪ در سرمایه شرکتهای سهامی تعاونی سهیم باشند. در این میزان سرمایه گذاری، دولت، مناطق خود مختار و ادارات محلی می‌توانند اکثریت سهام و یا تمامی آن را به خود اختصاص دهند. ثبت سهام الزامی تشخیص داده شده و سهام به فرم اوراق بهادار مجاز تهیه و برای کارگران ذخیره می‌گردد و میزان سرمایه هر یک از آنها هیچ گاه نمی‌تواند بیش از $\frac{1}{3}$ کل سرمایه که به صورت سهام به فرم اوراق بهادار عرضه گردیده باشد. اعضاء در هنگام خاتمه کار و ترک رابطه شعلی یا شرکت معمولاً مکلفند سهام خود را به افرادی که امتیاز و اولویت خرید آن را دارد، ارائه نمایند. در برخی موارد برای این که اعضاء در هنگام خاتمه خدمت، حق عضویت و سهام خود را از دست ندهند، ممکن است آنان را در ردیف اعضاء بیکار قرار دهند و در نتیجه بر این اساس نوع سهام این گونه اعضاء تغییر خواهد کرد. شرکتهای سهامی تعاونی به جز ذخائر قانونی مقرر، مکلف به داشتن نوع خاصی ذخیره غیر قابل تقسیم به میزان معادل ۱۰٪ سود خالص سالانه هستند.

با توصیفی که از ماهیت این گونه شرکتهای به عمل آمد، اکنون اندکی در خصوص فلسفه موجود در ماورای تشکیل این شرکتهای سخن گفته می‌شود.

وقتی در مورد یک شرکت سهامی تعاونی بحث می‌کنیم، با شرکتهای خودگردان و دارای مدیریت مشارکتی که

ویژگیهای زیر را در بر دارد روبرو می‌شویم:

الف - ظرفیت عظیم شرکت برای تقویت بنیه مالی داخلی در سایه مشارکت کارگران سهامدار شرکت.

ب - دسترسی به تسهیلات فراوان برای کسب و تأمین منابع خارجی به وسیله افزایش ارتباطات مالی با مراجع رسمی.

ج - برقراری ارتباطات صنعتی صحیح که مدیون تعهد والای کارگران سهامدار برای اداره امور شرکت است.

د - افزایش ظرفیت تولید کارخانه، به دلیل سهیم بودن کارگران در سود کارخانجات. با ارائه تعاریف فوق از ویژگیهایی که موجبات ایجاد یک شرکت سهامی تعاونی را فراهم می‌نماید با سئوالات متعددی روبرو خواهیم شد:

- وقتی که «نیروی کار» در مدیریت شرکت دخالت دارد، چگونه منافع مشترک موجود در شرکت سهامی یعنی «سود و ظرفیت تولید» حفظ می‌شود؟

- وقتی که «سرمایه و نیروی کار» پا به پای هم در شرکت سهیم هستند چگونه شرکت از نقطه نظر فنی و اقتصادی قابل اداره است؟

تجربه نشان می‌دهد به مجرد این که به طور واقعی منافع یکدسته در شرکت بر دسته دیگر مسلط و حکمفرما شود، شرایط کار و وضعیت داخلی شرکت غیر قابل تحمل خواهد شد. برای ایجاد تعادل در شرکت بخشی از نیروی داخلی شرکت از یک دسته به دسته دیگر انتقال داده می‌شود و مرحله رسیدن به این تعادل بسیار سخت

و مشکل است. در چارچوب این نقل و انتقال معمولاً با مقوله واگذاری امتیاز که به نفع «اشتراک اجتماعی» است روبرو هستیم به عبارت دیگر ما این مقوله را به عنوان «اقتصاد اجتماعی» نمی‌شناسیم. در حقیقت اگر شرکت سهامی تعاونی قرار باشد که یک شرکت اشتراکی خودگردان محسوب گردد، بنای آن از مرحله نخست باید به گونه‌ای پی ریزی شود که تمامی سرمایه و لزوماً مالکیت آن در دست کارگران باشد و آنان بدون استثناء همگی از اعضاء این مجموعه باشند. تعیین خط مشی‌های آتی مسئله دیگری است که تصمیم‌گیری در آن بستگی به توسعه شرکت و اقداماتی خواهد داشت که با توجه به محیط پرتنش و متغیری که کارخانه در آن فعالیت دارد، برای توسعه و ترقی شرکت ضروری فرض شود. این موضوع بستگی به قابلیت رقابتی شرکت نیز دارد که در نهایت «رشد و بقا» شرکت را به همراه داشته و در این رابطه می‌بایست در جستجوی فرمولهای مالی مناسبی متناسب با امکانات شرکت بود.

مع الوصف ضمن قبول مفاهیم فوق نباید فراموش کنیم که شرکتهای سهامی تعاونی با توجه به ماهیت واقعی آنها:

۱- تا حدودی بی ثبات بوده و از استحکام کافی برخوردار نیستند زیرا دلیل به وجود آمدن «شرکتهای سهامی تعاونی» فراروشانه از زیر بار مسئولیت شانه خالی کردن صاحبان قبلی کارخانجات بوده است که خوشبختانه امروزه دیگر این دلایل بر اداره امور آنها حکمفرما نیست.

در نهضت تعاونی ایالت باسک، «شورای عالی تعاونیهای باسک» عالیترین مرجع توسعه و ترویج شرکتهای تعاونی است که سازماندهی شرکتهای تعاونی را تمت لوای قانون تعاونیهای باسک بر عهده دارد.

۲- سرمایه گذاریهای ضروری در آن به سختی انجام میگیرد. برای حل این مشکل مسی بایست در جستجوی منابع مالی و افزایش سرمایه چه از طریق سهامداران جدید (اگر چه سهامداران ماهیتاً افراد کم درآمد هستند و سرمایه جدید به سختی از آنان به دست می آید) و چه از طریق منابع مالی استقراری جدید (که این امر هم مشکلات جدی تهیه وثیقه و تضمینهای ضروری را برای دریافت اعتبار مورد نیاز در بر دارد) بود.

به هر حال امروزه شرکتهای سهامی تعاونی بیش از پیش Ex novo هستند. یعنی از نقطه صفر به وجود می آیند. این شرکتهای اصول دموکراتیک و مردم سالاری تعاونی و خودگردانی فنی کارخانجات را پذیرفته و سهامداران آنها در شغل خود مهارت و کارایی لازم را کسب می نمایند. تا ۳۱/ دسامبر/ ۱۹۸۹ حدود ۶۰۸ شرکت سهامی تعاونی در ایالت باسک تشکیل شده که بیش از ۱۱۰۰۰ مورد اشتغال ایجاد نموده اند. اگر چه «نهضت شرکتهای سهامی تعاونی» نیاز به زمان بیشتری برای رشد دیدگاهها و جنبه های تعاونی خود دارد، اما به جرأت فکر می کنیم در آینده تقارن و نزدیکی بیشتری بین شکل ظاهری و محتوی شرکتهای تعاونی به وجود خواهد آمد و قانونگذاری مشترک آنها از نقطه نظر عمق و محتوی در قالب شرکتهای سهامی و از نقطه نظر آزادی، دموکراسی و عضویت اختیاری به شکل «شرکتهای تعاونی» خواهد بود و در یک فاصله زمانی میان مدت امکان ایجاد

مشابهت بین آنها از بسیاری جهات فراهم خواهد شد.

پی نوشتها:

۱- پزنا: واحد پول اسپانیا

2. Jose Maria Arizmendi Arriate
3. Vitoria
4. Cold spell
5. Basque
6. Navarre
7. Superstructure

۸- جامعه اقتصادی اروپا

- European Economic Community
9. Associateted Cooperative Grovp
 10. Liga de Education yeultura (LEAGUE OF Education Cuitute)
 11. Social Industrial Culture
 12. Eroski 13. Lagur Aro 14. Ikerlan

* ایالت باسک ناحیه ای در شمال اسپانیا منتمل بر سه استان به مساحت تقریبی ۲۷۳۹ مایل مربع است. بر سطح در دامنه کوههای پیرنه غربی بین اسپانیا و فرانسه واقع است. اکثریت سکنه آن باسکی هستند و زبان آنها نیز باسکی است که هیچ گونه نشانه ای از زبان اسپانیایی و فرانسه ندارد. از نظر حکومت این ایالت خود مختار بوده و تحت نظر دولت اسپانیا اداره می شود. در زبان اسپانیایی باسک VASCONGADAS نامیده می شود.

بقیه از صفحه ۵۳

گویانکه این دو مقاله عناوینی جداگانه از شهرک تعاون را دارا می باشند ولی به لحاظ این که توسعه منطقه (روستا) را ارائه می نماید می تواند برای ما مفید باشد.

انتظار این است که همکاران عزیز ما در معنای این بحث مشارکت نمایند و با مسنلت الهی گامی هر چند کوچک در توسعه فرهنگ تعاون در کشور عزیزمان برداریم در این راه امیدمان به خدای عز و جل خواهد بود. انشاءا...

بقیه از صفحه ۶۰

نکات ضعف و تقویت نکات قوت آنها، تا شرکتهای از هدف اصلی خود خارج نشوند.

۹- جلوگیری از قائم به شخص شدن شرکتهای تعاونی بلکه سعی گردد قائم به برنامه و قانون و خود مردم شوند.

۱۰- ایجاد پل ارتباطی بین شرکتهای تعاونی آبخیزداران و مراکز تحقیقاتی به وسیله کارشناسان مربوطه، تا مردم از آخرین دستاوردهای علمی بهره مند گردند و مراکز تحقیقاتی جهت حل مشکلات مردم برنامه ریزی لازم به عمل آورند.

۱۱- مبارزه جدی و فراگیر با رشد جمعیت.

در خاتمه با توجه به مراتب فوق در یک جمله می توان گفت عرصه های آبخیز در برخی از نقاط توسط مردم و به علت عدم مدیریت موجود به این وضعیت اسفبار فعلی رسیده است و ناگزیر باید خود مردم و با مدیریت خودشان آن را احیاء و آباد کنند.

* این مقاله قبل از انتخابات اخیر شوراهای اسلامی به تحریر در آمده است.

بقیه از صفحه ۲۰

پی نوشتها:

۱- دکتر کتیلسون دانشیار مدیریت و بازاریابی در دانشکده تجارت و کنفل مرکز مطالعات تعاونی دانشگاه ساسکاچوان واقع در ساسکاتون کانادا است.

- 2: Trust Companies
- 3: Credis Union System of Saskatchewan
- 4: Credis Union Financial Information Services
- 5: Consnsus
- 6: Central Body
- 7: Cerdit Union System
- 8: Directions Committee
- 9: Adhocracy
- 10: Ambidextrous